

نویسنده: م.ک. بهادر اکمار (M:k:Bhadra Kumar).
منبع و تاریخ نشر: نیوزکلک «2022-12-10».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

ایتالیا از الغای روسیه فاصله میگیرد

Italy Distances From 'Cancellation' of Russia?

رئیس جمهور ایتالیا، **سرجیو ماتارلا**، نخست وزیر **جورجیا ملونی** و جامعه عالی ایتالیا، از جمله سیاستمداران، بازرگانان در یک اپرای روسی در **لا اسکالا** شرکت کردند.



جورجیا ملونی، نخست وزیر ایتالیا برای شرکت در اولین نمایش گالا در مشهورترین خانه اپرای این کشور، تئاتر آلا اسکالا، که فصل جدید خود را با اپرای روسی «بوریس گودونوف»، میلان، ایتالیا، 7 دسامبر 2022 افتتاح کرد، وارد می شود.

Italian Premier Giorgia Meloni arrives to attend the gala premiere in the country's most famous opera house, Teatro alla Scala, which opened its new season with the Russian opera "Boris Godunov," Milan, Italy, December 7, 2022

نوام چامسکی زمانی نوشت که هزینه های نجومی جنگ های **بوش** و **اوباما** در عراق و افغانستان، که به تریلیون ها دلار تخمین زده می شود، یک پیروزی بزرگ برای **اسامه بن لادن** بود که هدف اعلام شده اش ورشکستگی آمریکا از طریق کشاندن آن به دام بود .

جنگ اوکراین نیز به عنوان تله ای برای روسیه طراحی شده بود. **استروب تالبوت** در اوایل سال جاری هنگامی که عملیات نظامی ویژه روسیه شروع به تبریک گفتن به تیم سیاست خارجی **جو بایدن**، رئیس جمهور - **ویکتوریا نولند**، **آنتونی بلینکن** و **جیک سالیوان** در توثیق کرد.

تالبوت آن را تله نمی نامید. زیرا، تله تنها در صورتی یک تله است که از آن اطلاعی نداشته باشید. از سوی دیگر، اگر در مورد آن بدانید، این یک چالش است. روسیه قبلاً در سال 2014 می دانست که ایالات متحده و متحدان اروپایی آن - فرانسه، آلمان و لهستان - منافعی امنیتی این کشور در اوکراین را به چالش می کشند. الحاق کریمه و اکنش غریزی روسیه بود.

اشتباه تالبوت این بود که آمریکا و متحدانش روسیه را دست کم گرفتند، دام را دست کم گرفتند و این واقعیت را دست کم گرفتند که خودشان را دست کم گرفتند.

به طور خلاصه، توافقنامه موسوم به حل و فصل بحران سیاسی در اوکراین که توسط رئیس جمهور وقت اوکراین ویکتور یانوکوویچ و رهبران اپوزیسیون پارلمانی با میانجیگری اتحادیه اروپا و روسیه در 21 فوریه 2014 امضا شد، به طور رسمی به عنوان ضامن مشاهده شد. توسط وزرای خارجه آلمان و لهستان و یکی از مقامات وزارت خارجه فرانسه، در حالی که نماینده ویژه روسیه با وجود اینکه در مذاکرات شرکت داشت، از درج امضای خود در زیر سند خودداری کرد.

مسکو از نیات سه «ضامن» غربی مطمئن نبود. مطمئناً، ظرف 24 ساعت آینده، پس از تسلط بر تظاهرکنندگان مسلح تحت حمایت اطلاعات غربی، زمین زیر پا به طرز چشمگیری در کیف تغییر کرد. سه «ضامن» تا امروز اهمیتی ندادند که رضایت عجیب خود را توضیح دهند.

اما پس از آن، به خوبی شناخته شده است که ویکتوریا نولند، معاون وزیر امور خارجه فعلی ایالات متحده در امور سیاسی، در فوریه در کیف انتقال را مامایی کرد و حتی جانشین یانوکوویچ را نامزد کرد (به هر حال، نولند هفته گذشته در میان گمانه زنی ها در مورد تغییر رژیم دیگر در اوکراین در کیف بود).

(همه اینها امروز مطرح می شود، زیرا آنگلا مرکل، صدراعظم سابق آلمان اخیراً در یک سری مصاحبه با اشپیگل و دی زایت اعتراف کرد که توافق بعدی مینسک در سال 2014 برای رسیدگی به وضعیت دونباس، خود تنها «تلاشی برای خرید زمان برای اوکراین» بود. همانطور که امروز می بینید اوکراین از این زمان برای قوی تر شدن استفاده کرد. اوکراین در 2014-2015 و اوکراین امروز یکسان نیستند.)

مرکل افزود: «برای همه واضح بود» که درگیری به حالت تعلیق درآمد و مشکل حل نشد، «اما این دقیقاً همان چیزی بود که به اوکراین فرصت قیمتی داد» در واقع، توافق مینسک به عنوان یک ایستگاه بین راهی در نظر گرفته شده بود، زیرا ایالات متحده دستور کار معرفی ناتو و تقویت

توانایی نظامی اوکراین برای در نهایت مقابله با روسیه را دنبال می‌کرد
پرزیدنت پوتین بارها استدلال کرده است که با شروع خزش مأموریت **آمریکا / ناتو** به سمت
مرزهای غربی، روسیه هیچ گزینه‌ای جز واکنش نشان نداده است. این نیز دلیلی است که روسیه نمی
تواند یک اوکراین ضد روسیه را به عنوان همسایه خود باقی بگذارد. اگر جنگ نیابتی ادامه یابد،
روسیه اوکراین را به یک وضعیت نابسامان تقلیل خواهد داد.

و این همان جایی است که مشکل، در دسر بزرگ، در پیش است. آشکار است که عناصر
ناسیونالیست لهستانی که در خواب عمیق به سر می‌برند، از خواب بیدار می‌شوند تا به این فکر کنند
که چگونه سرزمین‌های به اصطلاح تاریخی خود را که پس از جنگ جهانی دوم توسط جوزف
استالین گرفته شده و با اوکراین شوروی ادغام شده بود، بازگردانند.

از سوی دیگر، روان‌شیسم آلمان نیز آشکار است. صدراعظم **اولاف شولتز** هفته گذشته مقاله
ای در مجله فارن افرز نوشت که در آن بر "ذهنیت" جدید در برلین - به قول خودش - در پس زمینه
"تغییر تکنیکی دورانی" به سمت "این جهان چند قطبی جدید، [به عنوان] کشورهای مختلف و
مدل‌های حکومت برای قدرت و نفوذ با هم رقابت می‌کنند

«». آلمان احساس می‌کند که زمان آن یک بار دیگر فرا رسیده است تا در *Mitteleuropa*
اصطلاح آلمانی برای اروپای مرکزی، رهبری کند. دیدگاه پروس از *Mitteleuropa* یک
امپراتوری دولت محور پان ژرمنیست بود، ایده‌ای که بعدها به شکلی تغییر یافته توسط ژئوپلیتیک
های نازی پذیرفته شد. طرح *Mitteleuropa* دستیابی به هژمونی اقتصادی و فرهنگی بر اروپای
مرکزی و متعاقب آن بهره‌برداری اقتصادی و مالی از این منطقه، ساختن کشورهای دست‌نشانده به
عنوان حائل بین آلمان و روسیه بود.

----- **با تقدیم احترامات (2022-12-13)**